

متن پیاده سازی شده جلسه سوم سال اول درس خارج فقه العروة الوثقی - 8 مهر 1402

فایل پیاده سازی شده : [کلیک کنید](#)

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين و صل الله على محمد و آله الطاهرين

مسألة 1

«يجب على كل مكلف في عباداته و معاملاته أن يكون مجتهداً، أو مقلداً، أو محتاطاً.»

همانطور که در جلسه قبل بیان شد در مسأله مذکور برخی از واژگان و عبارات (يجب، في عباداته و معاملاته، ان يكون مجتهداً، أو مقلداً، أو محتاطاً) مورد توجه است. در رابطه با «يجب» توضیحات داده شد و شایسته است به جای «يجب» از عبارت «يلزم عقلاً» استفاده شود. از جمله عبارات و واژگان، عبارت «في عباداته و معاملاته» می باشد که دو واژه «عبادات» و «معاملات» در آن محل بحث است. بیان شد که این دو واژه از جامعیت و مانعیت برخوردار نیست. جامع زیرا ایشان در مسأله 29 عادیات را نیز آورده اند و مانع نیست، زیرا واجب نیست در امور مستحب و مکروه تقلید شود. بنابراین شایسته است به جای عبارت مذکور از عبارت مناسب استفاده شود که جامع و مانع باشد و اقوال مختلف را در برگیرد. با توجه به اختلافی که در حیطة و میزان دخالت و نفوذ شارع وجود دارد که برخی آن را حداقلی دانسته و نافی دخالت شارع در امور معاملی شده اند و در برابر، برخی دخالت شارع را حداکثری دانسته و در همه امور جاری می دانند، صحیح آن است که به جای عبارت مذکور از عبارت «فيما تدخل الشرع فيه» استفاده شود. این عبارت اگرچه گنگ است ولی اشکال عدم جامعیت و عدم مانعیت را ندارد، اگرچه عبارت محقق طباطبایی در عروه گویا بوده ولی جامع و مانع نیست. در رابطه با عبارت «ان يكون مجتهداً، أو مقلداً، أو محتاطاً» گفته می شود که این عبارت قابل دفاع نیست و باید حمل بر مثال شود و به جای آن عبارت «ككونه مجتهداً أو مقلداً أو محتاطاً أو قاطعاً» جایگزین شود.

پس از بررسی عبارات و واژگان مسأله مذکور و دلیل وجوب و نوع وجوب در آن گفته می شود؛ آنچه بر مکلف لازم است، تحصیل امن از عقاب در اموری می باشد که شارع در آن ها دخالت کرده است، از این رو سه راه «اجتهاد»، «تقلید» و «احتیاط» از جمله راه های تحصیل این ایمنی از عقاب هستند نه آنکه تحصیل امن از عقاب، منحصر در این سه راه باشد. با توجه به این بیان کسی که اطمینان (علم عرفی مبتنی بر اساس اصول و قواعد) دارد یا آنکه قاطع است، در زمره هیچ یک از سه دسته مذکور قرار نمی گیرد، از این رو اگر عمل وی مطابق با حجت باشد، تکلیفی نداشته و معذور است.

بنابر توضیح مذکور، شایسته است به جای عبارت مذکور در مسأله 1، از عبارت ذیل استفاه شود:

«يلزم عقلاً على كل مكلف تحصیل الأمن من العقاب فيما تدخل الشرع فيه و ذلك ككونه مجتهداً أو مقلداً أو محتاطاً أو قاطعاً.»
نکته حائز اهمیت در این عبارت آن است که اگر کسی مانند مرحوم آیت الله تبریزی اطمینان عرفی را به طور مطلق مانند یقین حجت بداند می تواند اطمینان را نیز از جمله راه ها قرار دهد، چرا که برای تحصیل امن از عقاب، راه یا راه های منحصری وجود ندارد و بسته به نوع مبنا قابل توسعه و تضییق است.

مسألة 2

«الأقوى جواز العمل بالاحتياط مجتهداً كان أو لا، لكن يجب أن يكون عارفاً بكيفية الاحتياط بالاجتهاد أو بالتقليد.»

در این مسأله به موضوع جواز عمل به احتیاط پرداخته شده اگرچه شخص مکلف مجتهد باشد. لازم است این مسأله با دو

مسأله چهارم و ششم و ششم نگریسته شود.

اکنون این سؤال اصلی مطرح است؛ آیا کسی که مجتهد یا مقلد است می تواند به احتیاط عمل کند و اجتهاد یا تقلید ننماید؟ قبل از پرداختن به پاسخ سؤال لازم است به نکات ذیل متذکر شد:

- 1- پیشینه این مسأله برای عصر حاضر نیست بلکه به اعصار دور مانند عصر سید مرتضی بازگشت دارد. بنابراین باید بررسی شود کسی که می تواند اجتهاد یا تقلید نماید آیا جایز است به احتیاط عمل کند یا خیر؟
- 2- ممکن است تصور شود مقصود از مجتهدی که جایز است به احتیاط عمل نماید، مجتهدی است که به جهت شرایطی نتوانسته مسأله مورد نیاز خود را اجتهاد نماید و چون نمی تواند تقلید کند بنا بر این جایز است به احتیاط عمل کند؟! لکن مقصود از جواز عمل به احتیاط در این مسأله فرض امکان اجتهاد یا تقلید است.
- 3- در مسأله 2 عنوان شده است که شرط عمل به احتیاط، علم و عرفان به کیفیت احتیاط است؛ برای روشن شدن مطلب به مثال زیر توجه شود:

الف) کسی که به سفر رفته و می داند چه مقدار مسافت را پیموده است ولی نمی داند این مقدار از طی مسافت سبب تحقق سفر شرعی می شود یا خیر؟ در این صورت باید احتیاط نماید. حال در اینجا باید به کیفیت احتیاط علم داشته باشد که آیا مجاز است نماز را جمع (قصر و تمام) بخواند یا اینکه فقط نماز تمام را ادا نماید؟

ب) فردی به هنگام نماز نمی داند تسبیحات اربعه یک بار واجب است یا سه بار و اگر بخواهد سه مرتبه بگوید بخشی از نماز در خارج از وقت قرار می گیرد و اگر بخواهد یک بار بگوید ممکن است واجب نماز را عمداً ترک کرده باشد و نماز باطل گردد؟! با توجه به مثال های مذکور که از مراجعه به دو مسأله 4 و 66 بر آمده روشن شد که مقصود از علم و عرفان به احتیاط چیست؟ زیرا اگر علم به کیفیت احتیاط نباشد گاهی رعایت احتیاط، مخالف با احتیاط می شود.

محورهای بحث در مسأله 2

- 1- «الاقوی جواز العمل بالاحتیاط»؛ در این محور از اقوال و ادله جواز و عدم جواز به احتیاط سخن می رود.
- 2- «بجب أن یکون عارفاً بکیفیه الاحتیاط»؛ این محور تا حدودی ذیل نکته 3 بحث میشود و در ضمن محور اول نیز نکاتی پیرامون آن ذیل بیان قول سوم خواهد آمد.
- 3- «بالاجتهاد أو بالتقلید»؛ در این محور بحث می شود که آیا راه علم و عرفان به کیفیت احتیاط، منحصر در تقلید یا اجتهاد است؟! به طور مختصر گفته می شود، همانطور که گذشت اساس شناخت حکام و عمل به امور دین منحصر در تقلید و اجتهاد نیست.

محور اول

نسبت به محور اول سه قول ذیل بیان می شود:

- الف) جواز مطلق؛ بسیاری از فقها قائل به جواز مطلق عمل به احتیاط شده اند، از این رو برخی از ایشان به محقق طباطبایی اشکال کرده که چرا از واژه «الاقوی» استفاده کرده اید زیرا در این واژه نوعی تردید وجود دارد اگر بیانگر فتوای مفتی می باشد، بنابراین نظرشان این بود که به جای این واژه از واژگانی چون «الصحيح»، «المتعین» و... استفاده می شد.
- ب) عدم جواز مطلق؛ با توجه به اطلاقات برخی از عبارات فقها ممکن است اینگونه استظهار شود که ایشان به طور مطلق با عمل به احتیاط مخالف اند و آن را جایز نمی دانند درحالی که در جایی مانند معامله که اگر کسی نداند صیغه عربی باید بخواند یا آنکه صیغه فارسی هم کفایت می کند و شخص صیغه عربی را جاری سازد می گویند عمل او صحیح است. بنابراین بسیار بعید و دور از ذهن است که فقیهی با اصل جواز عمل به احتیاط مخالف باشد.
- ت) عدم جواز فی الجملة؛ برخی با تفصیل بین معاملات و عبادات و همچنین تفصیل بین عبادات در جایی که مستلزم تکرار و عدم تکرار است بیان داشته؛ عمل به احتیاط در معاملات جایز است مانند خواندن صیغه به عربی و عمل به عبادات که مستلزم تکرار نمی باشد نیز جایز است مانند گفتن سه باره تسبیحات اربعه یا مسح کل پشت پا به هنگام وضو. اما در مورد امور عبادی که در بردارنده تکرار است مانند نماز جمع در سفر و... عمل به احتیاط را جایز نمی دانند.

ادله جواز عمل به احتیاط

تفصیل بحث از ادله خواهد آمد لکن فی الجملة گفته می شود؛ عقل حکم می کند که مکلف علم به حجت پیدا کرده و بر اساس آن عمل نماید که یکی از حجج علم به واقع و اصابت عمل با واقع است.

در پایان لازم است این سؤال مطرح شود که اگر به هر دلیلی شک کنیم که آیا عمل به احتیاط جایز است یا خیر، اصل عملی که در اینجا جریان دارد چیست؟ احتیاط است یا براءت؟ و تأسیس اصل در این مسأله بسیار مهم است همانطور قائلین به جواز گفته اند در صورت شک اصل جواز جاری است که باید بررسی شود منشأ این اصل جواز چیست؟

آخر دعوانا ان الحمد لله رب العالمین